علمی - پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیست و سوم، شمارهٔ ۸۹ «ویژهٔ پژوهش‌های قرآنی»، زمستان ۱۴۰۴، ص ۱۱۳-۱۲۸

شبکه معنایی "تقوا" در گستره آیات نورانی قرآن کریم

دکتر خالد موحدی نیا[۱] / دکتر حسین قدمی[۲]

چکیده: تقوا در قرآن کریم به‌عنوان یکی از مفاهیم بنیادین اخلاقی و اجتماعی، شبکه‌ای از معانی و مضامین را در بر می‌گیرد که به مسئولیت‌های فردی و جمعی انسان مرتبط است. این مفهوم در آیات مختلف با ایمان، عدالت، صداقت و اخلاق نیکو پیوند خورده و به‌عنوان مراقبت و پرهیز از ناپسندها و انجام اعمال صالح تعریف می‌شود. شبکه معنایی تقوا علاوه بر ارتباط با مفاهیمی چون تقرّب به خدا، دعا و صدقه، در بستر اجتماعی نیز به ایجاد حسن‌نیت، همکاری و ارتقای جامعه منجر می‌گردد. بدین‌سان، تقوا نه‌تنها راهنمایی برای سعادت فردی، بلکه ابزاری برای سامان‌دهی روابط انسانی و الهی و دستیابی به مسیر درست زندگی است. این پژوهش با رویکرد معناشناسی و تحلیل ادبی- بلاغی، به تبیین شبکه معنایی تقوا در قرآن کریم می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: معناشناسی، تقوا، قرآن کریم، تحلیل ادبی-بلاغی

---

* دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۵؛ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۱۱.

۱. (استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، پردیس زاهدان، دانشگاه فرهنگیان، زاهدان، ایران) (نویسنده مسئول)
shaykhanhafez@gmail.com

۲. (استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران)
Dr.ghadami91@gmail.com

۱. مقدمه:

قرآن کریم به‌عنوان متنی وحیانی، در اوج فصاحت و بلاغت قرار دارد و واژگان آن با دقت و ظرافتی بی‌بدیل انتخاب شده‌اند. علوم بلاغی (معانی، بیان و بدیع) ابزارهایی برای درک جنبه‌های اعجاز قرآن محسوب می‌شوند و از رهگذر آنها می‌توان به زیبایی‌های معنوی و هنری آیات دست یافت. تقوا در این متن مقدس، نه‌تنها به‌عنوان یک ویژگی فردی، بلکه به‌مثابه نظامی اخلاقی و اجتماعی در مسیر کمال انسانی معرفی شده است. اهمیت این مفهوم در آن است که با مفاهیم کلیدی دیگری چون ایمان، عمل صالح و عدالت پیوند خورده و به‌عنوان محور هدایت انسان‌ها در زندگی فردی و اجتماعی مطرح می‌شود. علم بلاغت، وسیله‌ای برای درک یکی از وجوه اعجاز قرآن است، شکوفایی دانش بلاغت با ظهور اسلام و اعجاز جاودانه قرآن، پیوندی دیرینه دارد. یکی از جنبه‌های اعجاز قرآن، فصاحت و بلاغت آن است؛ ابن خلدون معتقد است: فن بلاغت تنها برای فهم و بازیابی وجه اعجاز قرآن کریم بنیان گذاشته شده، زیرا اعجاز قرآن در آن است که چنان دلالت و ارشاد می‌کند که وافی و رسا به همه مقتضیات احوال انسان است. اولین تبلور اعجاز بلاغی قرآن را می‌توان در گزینش واژه‌ها دانست؛ واژه‌های قرآن استوار و درست، آشنا، خوش‌آوا، خوش آهنگ و در اوج فصاحت است. واژه‌های قرآن نورآفرین و بسیار آشناتر از واژه هایی است که در شعر آن روز عرب به کار رفته است. بنابراین؛ شبکه معنایی تقوا در قرآن، ابزاری برای درک بهتر روابط انسانی و الهی و مسیر درست زندگی است. تقوا در قرآن نه‌تنها به یک ویژگی فردی اشاره دارد، بلکه به یک نظام اخلاقی و اجتماعی در راه رسیدن به کمال انسانی نیز تفسیر می‌شود.

۲. بیان مسئله:

با وجود پژوهش‌های متعدد در حوزه معناشناسی تقوا، کمتر به ابعاد ادبی و بلاغی این واژه در قرآن توجه شده است. در حالی‌که ظرافت‌های بیانی و شبکه معنایی تقوا می‌تواند نقش مهمی در تبیین جایگاه آن در نظام اخلاقی و اجتماعی اسلام ایفا کند. پرسش اصلی این پژوهش آن است که تقوا در قرآن کریم چگونه در قالب شبکه‌ای از معانی و مضامین

ترسیم شده و چه ارتباطی با مفاهیم بنیادین دیگر دارد. خلأ موجود در مطالعات پیشین، ضرورت بررسی جامع این مفهوم از منظر معناشناسی و بلاغت را آشکار می‌سازد.

در این پژوهش به تبیین شبکه معنایی، ادبی و بلاغی واژه تقوا در قرآن با طرح پرسش‌های اصلی و فرعی در کنارفرضیاتی می‌پردازد:

۳. پرسش‌های تحقیق:

۱. مفهوم تقوا در آیات قرآن چگونه تعریف شده و چه ویژگی‌هایی برای آن ذکر گردیده است؟

۲. رابطه تقوا با عمل صالح در آیات قرآن چگونه تبیین شده است؟

۳. آثار و پیامدهای تقوا در زندگی فردی و اجتماعی چیست و قرآن چه نتایجی برای آن بیان می‌کند؟

۴. فرضیه‌ها:

۱. تقوا در قرآن کریم به‌عنوان ویژگی اخلاقی، به‌طور مستقیم با عمل صالح و کردار نیک مرتبط است.

۲. تقوا در آیات قرآن عامل آرامش، موفقیت و هدایت انسان معرفی شده است.

۳. تقوا علاوه بر جنبه فردی، به‌عنوان اصل اجتماعی در سامان‌دهی روابط انسانی و ارتقای جامعه نقش‌آفرین است.

۵. پیشینه و روش پژوهش:

تاکنون مقالات و کتب و پایان‌نامه‌های متعددی به معنا شناسی تقوا پرداخته‌اند و آن را از جنبه‌های گوناگون مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند، ولی در زمینه بررسی بلاغی و ادبی واژه تقوا، تحقیقی صورت نگرفته است، درباره ظرافت‌های ادبی و بلاغی آیات قرآن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

-کتاب «أصول و شیوه‌های نقد أدبی» اثر سید قطب که در سال ۱۳۹۰ توسط محمد باهر به زبان فارسی ترجمه شده است.

-کتاب «نقدآموزی ترجمه‌های قرآن» نوشته محمدرضا صفوی در سال ۱۳۹۱.

- پایان‌نامه‌هایی با عناوین «أصول نقد ترجمه‌های أدبی» که در سال ۱۳۸۷ توسط یوسف رضازاده.

- «بررسی ترجمه قرآن با نگاه یوجین نایدا» که در سال ۱۳۹۳ توسط زهرا ابراهیمی.

- پایان‌نامه دیگری با عنوان «نقد بلاغی ترجمه نهج‌البلاغه (شهیدی) با تأکید بر صور خیال در ۱۰۰ خطبه» رؤیا اسدی.

۶. روش پژوهش:

این تحقیق با رویکرد توصیفی–تحلیلی انجام شده است. داده‌ها از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی منابع معتبر قرآنی، تفسیری و ادبی گردآوری گردیده‌اند. در مرحله نخست، آیات مرتبط با مفهوم تقوا استخراج و دسته‌بندی شدند. سپس با بهره‌گیری از روش معناشناسی و تحلیل بلاغی، شبکه معنایی واژه تقوا در قرآن کریم تبیین گردید.

شبکه معنایی کلمه «تقوا» در قرآن کریم

۱. تعریف واژه‌شناختی و مفهومی تقوا در قرآن

تقوا از ریشه «و-ق-ی» به معنای «نگاه داشتن»، «پرهیز داشتن» و «خود را محافظت کردن» است. در اصطلاح قرآنی، تقوا به معنای خویشتنداری آگاهانه در برابر گناه و نافرمانی، و پایبندی به دستورات الهی در تمام جنبه‌های زندگی انسان است. این واژه و مشتقات آن بیش از ۲۵۰ بار در قرآن کریم آمده و در سیاق‌های مختلف معنایی متنوعی پیدا کرده است.

۲. ابعاد و ویژگی‌های تقوا در قرآن

الف. راهی برای هدایت: ﴿ ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ﴾ (سوره بقره، آیه ۲)

از این آیه مشخص است که هدایت قرآنی تنها نصیب کسانی می‌شود که «تقوا» پیشه کرده باشند. پس، تقوا نه فقط یک صفت اخلاقی، بلکه پیش‌شرط درک و بهره‌مندی از قرآن است.

ب. معیار برتری انسان‌ها نزد خدا: ﴿ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ ﴾ (سوره حجرات، آیه ۱۳)

ج. سبب بخشش گناهان و دریافت اجر عظیم: ﴿ وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا ﴾ (سوره طلاق، آیه ۵)

د. عامل رهایی و گشایش و ضامن رزق الهی: ﴿وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَل لَّهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾ (سوره طلاق، آیات ۲-۳)

هـ. تقوا، شرط قبولی اعمال عبادی: ﴿ لَن يَنَالَ اللَّهَ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِن يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنكُمْ﴾ (سوره حج، آیه ۳۷)

۳. شبکه معنایی تقوا در قرآن: ارتباط های معنایی

مفهوم مرتبط با تقوا نمونه آیه ارتباط مفهومی:

هدایت: سوره بقره آیه ۲.

ایمان: سوره آل‌عمران ۱۷۵.

صبر: سوره آل‌عمران ۲۰۰.

تقرب به خدا: سوره حجرات ۱۳.

عمل صالح: سوره مائده ۲۷.

آمرزش: سوره طلاق ۵.

اخلاق نیکو: سوره بقره ۱۷۷.

۴. سطوح تقوا و دعوت قرآن به آن

تقوای ابتدایی: پرهیز از گناه (حداقلی).

تقوای عملی: انجام واجبات و ترک محرمات.

تقوای کامل (حقّ تقاته): رسیدن به بالاترین مرتبه بندگی.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ﴾ (سوره آل عمران، آیه ۱۰۲)

شبکه معنایی کلمه «تقوا» و رابطه آن با عمل صالح در قرآن:

تحلیل آیات نشان می‌دهد که تقوا با مفاهیمی چون ایمان، صبر، عمل صالح، تقرب به خدا، آمرزش و اخلاق نیکو در ارتباط است. این ارتباط‌ها نشان می‌دهد که

تقوا نه‌تنها یک ویژگی فردی، بلکه نظامی اخلاقی و اجتماعی است که روابط انسانی را سامان می‌دهد.کلمه «تقوا» در قرآن بسیار مهم و کلیدی است و ریشه‌اش به معنای «پرهیزکاری»، «خودنگهداری» و «اجتناب از گناه» برمی‌گردد. اما نکته مهم این است که قرآن این مفهوم را صرفاً یک حالت ذهنی یا احساسی معرفی نمی‌کند، بلکه آن را به شکل عملی و همراه با رفتار و عمل صالح نشان می‌دهد. رابطه تقوا و عمل صالح تقوا در قرآن، بیشتر از اینکه فقط «ترس از اینکه انسان در دل و ذهنش تقوا داشته باشد، رفتار نیز پاک خواهد بود.

چگونه تقوا به عمل صالح منجر می‌شود؟

عامل انگیزه برای عمل صالح است: ﴿**ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ**﴾ (بقره ۲) یعنی کسانی که تقوا پیشه کنند، این کتاب برایشان راهنمای عمل صالح است.

عمل صالح نشانه بیرونی تقوا است

در بسیاری از آیات، عمل صالح همراه با تقوا ذکرشده‌اند:﴿**إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ**﴾ (عصر: ۳)

پایه ثبات در عمل صالح است

قرآن می‌گوید که بدون تقوا عمل صالح ممکن است پایدار نباشد: ﴿**وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ**﴾ (نساء ۵۷)

عامل پاکی نیت و اخلاص در عمل است: ﴿ **لَنْ يَنَالَ اللَّهَ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِن يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنكُمْ**﴾ (حج ۳۷)

شبکه معنایی این رابطه در قرآن

تقوا و عمل صالح به صورت یک «چرخه معنایی» به هم متصل‌اند؛ تقوا به عمل صالح انگیزه می‌دهد، عمل صالح نشانه تقواست، و هر دو با هم عامل موفقیت در دنیا و آخرتند. بسیاری از آیات قرآن این دو را کنار هم آورده‌اند تا رابطه‌شان را نشان دهند و ایمان و تقوا و عمل صالح سه ضلع مثلثی‌اند که یکی بدون دیگری ناقص است.

شواهد قرآنی برای این رابطه:

﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّـٰلِحَـٰتِ أُولَـٰٓئِكَ هُم خَيرُ ٱلبَرِيَّةِ﴾ (بقره ۱۱۱)

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّـٰلِحَـٰتِ كَانَت لَهُم جَنَّـٰتُ ٱلفِردَوسِ نُزُلًا﴾ (الکهف ۱۰۷)

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَكُونُواْ مَعَ ٱلصَّـٰدِقِينَ﴾ (توبه ۱۱۹)

رابطه تقوا و ایمان در قرآن کریم

۱. ایمان و تقوا دو رکن مکمل در زندگی معنوی است. ایمان به معنای باور قلبی و اقرار به اصول دین است، در حالی که تقوا جلوه عملی و رفتاری آن ایمان است.

۲. تقوا، بُعد عملی و محافظتی ایمان است.

تقوا به معنای «پرهیزکاری» و «نگه‌داشتن خود از گناه» است.﴿ **الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُم بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ** ﴾ (رعد، آیه ۲۸)

۳. در آیات متعدد ایمان و تقوا توأمان ذکر شده‌اند:

سوره آل عمران، آیه ۱۷۵: ﴿**وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ**﴾

۴. ایمان بدون تقوا ناقص است: ﴿ **لَنْ يَنَالَ اللَّهَ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِن يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنكُمْ** ﴾ (حج، ۳۷)

۵. تقوا، نگهبان و محافظ ایمان است: ﴿ **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ** ﴾ (توبه، ۱۱۹)

پس ایمان باور قلبی است؛ و تقوا نمود بیرونی و عملی ایمان است؛

شواهد قرآنی:

سوره آل‌عمران، آیه ۱۳۱:

﴿**وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱۡذُتُواْ ٱلۡوَلِدَيۡنِ إِحۡسَنًانا وَبِذِى ٱلۡقُرۡبَى** ﴾

تقوا با عمل نیک و رفتار اجتماعی همراه شده است.

سوره نسا، آیه ۱۳۵:

﴿**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ كُونُواْ قَوَّامِينَ بِٱلۡقِسۡطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوۡ عَلَى أَنفُسِكُمۡ أَوِ ٱلۡوَلِدَيۡنِ وَٱلۡأَقۡرَبِينَ إِن يَكُنۡ غَنِيًّا أَوۡ فَقِيرًا فَٱللَّهُ أَوۡلَى بِهِمَا** ﴾

این آیه به اهمیت ایمان با تقوا در حفظ عدالت اشاره دارد.

سوره توبه، آیه۱۱۹:

﴿ یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَکُونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ»﴾

تقوا را به‌عنوان یک فرمان ضروری برای مؤمنان.

سوره بقره، آیه۲۷۶:﴿ ٱلَّذِینَ یَأْکُلُونَ ٱلرِّبَوٰاْ لَا یَقُومُونَ إِلَّا کَمَا یَقُومُ ٱلَّذِی یَتَخَبَّطُهُ ٱلشَّیْطَٰنُ مِنَ ٱلْمَسِّ ذَٰلِکَ بِأَنَّهُمْ قَالُوٓاْ إِنَّمَا ٱلْبَیْعُ مِثْلُ ٱلرِّبَوٰاْ وَأَحَلَّ ٱللَّهُ ٱلْبَیْعَ وَحَرَّمَ ٱلرِّبَوٰاْ فَمَن جَآءَهُۥ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّهِۦ فَٱنتَهَىٰ فَلَهُۥ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُۥٓ إِلَى ٱللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُوْلَٰٓئِکَ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ هُمْ فِیهَا خَٰلِدُونَ ﴾

توبه (نمادی از تقوا) و عمل صالح با هم موجب پذیرش از جانب خداست.

۱. مبانی نظری

۱. تقوا و اهمیّت آن در قرآن

هر مکتبی نظام ارزشی خاصی را تعریف می‌کند. در زمان انبیاي گذشته که داستان آنها در قرآن آمده است معیارهایی براي ارزشگذاري مرسوم بوده که طاغوت‌هاي آن زمان، انبیاء را با آن مورد ارزیابی قرار می‌دادند از جمله ثروت، نژاد، قوم و قبیله و حتّی طبقه اجتماعی کسانی که با ایشان در معاشرت بودند (زخرف: ۵۳؛ هود: ۲۷) ولی مکتب اسلام همه معیارهاي نادرست را ردّ کرده و تقوا را تنها معیار ارزشگذاري انسان‌ها معرفی کرده (حجرات: ۱۳)، در «چهل و نه» موضع، متّقین را ستوده و در «هشتاد و سه» موضع، پاداش و اثرات نیک تقوا را ذکر کرده است. (شمیم یاس، ۱۳۸۳، ص ۳) که البتّه تقوا نیز همچون هرفضیلت دیگر داراي مراتب، مصادیق و درجات مختلفی است که خداي حکیم در آیه ۹۳ مائده این حقیقت را به صراحت بیان کرده است که این تفاوت درجات به عواملی از جمله تفاوت فهم و درک، میزان ظرفیت و سعه وجودي افراد (رعد: ۱۷، محمد: ۱۷)، همچنین مقدار تلاش آنها (نجم: ۳۹) بستگی دارد.

در فارسی براي تقوا معناي پرهیزکاري در نظر گرفته می‌شود و در نهج البلاغه برابر با مفهوم پرهیز نیست بلکه رابطه‌اي دوسویه بین تقوا و پرهیز برقرار است به‌طوري که پرهیزهاي معقول از یک طرف سبب و مقدّمه‌اي براي رسیدن به این حالت و از طرف دیگر معلول و نتیجه آن می‌باشد که باعث تقویت روح و مصونیت او در مقابل گناهان می‌گردد. از نگاه نهج‌البلاغه تقوا نیرویی متعالی است که علاوه بر اینکه منشأ کشش

به سوی ارزش‌های فرامادّی است، عاملی برای پرهیز از پستی‌ها و رذایل نیز می‌باشد. (شیخی، ۱۳۸۸: ص ۱۱۷ ۱۱۸) بدین ترتیب تقوا نزد أمیرمومنان دارای دو رویکرد سلبی (پرهیز از رذائل) و ایجابی (کشش به سوي معنویات و رسیدن به قرب إلهی) است و به هر دو جنبه توجه شده است.

۲-۱. معناشناسی تقوا:

تقوا از ریشه «وقي» در واقع «وقوي» است که با ابدالی که در حرف «واو» صورت گرفته بدین صورت درآمده است. «وقایه» و «وقاء» حفظ شیء از آنچه موجب آزار و اذیّت است می‌باشد و تقوا، اسم از مصدر «إتقاء» و هم معنا با آن و به معناي خودنگهداري و پرهیزکردن است. (قرشی، ۱۳۷۱: ج ۷، ص۲۳۶).

در قوامیس، «وَقی» به معنای نگهداری شئ از چیزی که به او آزار و ضرر رساند می‌باشد. (فراهیدي، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۲۳۹)، سپس براي کسی که بتواند نفس خود را از محارم، شرک، گناهان، و یا از هر چیزي که آزاری را در آینده در پی دارد حفظ کرده و از آنها دوري کند به کار رفته است. پس ابتدا برای محسوسات مثل اسب و زین بوده سپس از نظر معنایی توسعه یافته است.

ایزوتسو معتقد است تقوا در قرآن به چند معنا به کار رفته که ابتدایی‌ترین آن معناي عرفی این کلمه بوده و معناي دینی یا اخلاقی نداشته و به این معنا بوده است که شخص میان خود و چیزی که از آن می‌ترسد حائل و مانعی قرار دهد تا از گزند آن مصون بماند (زمر: ۲۴؛ نحل: ۸۱؛ اعراف: ۲۶). سپس به معنای اخلاقی نیز بکار رفته است یعنی همین معنا ولی در زمینه‌ی معنوی استفاده شود. مثل اینکه شخص عبادت خویش را سپر خویش در برابر عذاب الهی قرار دهد. (روم: ۳۱) (ایزوتسو، ۱۳۶۱ ش، ص ۳۰۵، ۳۰۸) ومعناي دیگر، ترس از خدایا و به بیانی بهتر ترس از عذاب اوست که ترس آمیخته با احترام می‌باشد و با مفاهیمی چون خشیت در یک حوزه معنایی قرار می‌گیرد. (نور: ۵۲؛ انبیاء ۴۹ و ۴۸؛ رمز: ۱۶) (ایزوتسو، ۱۳۸۷ ش، ص ۱۰۴).

پس تقوا در سیر نزول آیات گسترش یافته، اعمال دینی را نیز شامل می‌گردد و سوّمین معنای آن در قرآن، رعایت اوامر و نواهی خداوند یا به تعبیري دیگر عمل به طاعت و ترک

معصیت است. (زرکشی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۲۸۰-۲۸۱). حفظو نگهداری می‌تواند هسته اصلی معناي لغوي آن محسوب شود چون در هر کدام از وجوه، حفظ و نگهداری مستفاد است. باید توجه داشت «تقوا صفتی است که با تمامی مراتب ایمان قابل جمع است و اینطور نیست که تقوا صفت مرتبهای از مراتب ایمان باشد.» (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش: ج ۱، ص ۶۹).

۱. ریشه‌های ادبی - بلاغی تقوا

۳-۱. توسعه معنای مصدر «تقوی»:

واژه تقوا که به صورت مصدر از ریشه وقی می‌باشد، دوازده بار در قرآن به کار رفته است. با در نظر گرفتن سیاق این آیات توسعه معنایی قابل توجهی در معنای این واژه مشاهده می‌شود ازجمله:

۳-۱-۱. معنای تقوا هنگام تعلق به نفس:

﴿**وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا، فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا**» (شمس: ۷-۸). در این آیه سیاق در مورد خلقت و تسویه نفس است. پس از آن، فجور نفس، به او الهام شده و در مقابلش، تقوای نفس نیز به او الهام شده است. ابن عاشور می‌گوید شناساندن تقوا و فجور توسط پیامبران انجام می‌شود و الهام تقوا و فجور به نفس، وجود قوه ادراک است تا آنچه پیامبرانی به آن دعوت می‌کنند، بفهمند (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۳۲۷).

فجور که معنای لغوی آن پاره کردن می‌باشد، در مورد انسان به معنای انحراف از راه راست معنا شده است (أزهری، ۱۴۲۱: ۲۶). در مقابل فجور، تقوا است که با طرحواره نیروی مقاوم نشان داده شود.

۳-۱-۲. معنای تقوا در تعلق به قلب:

تقوا در آیه دیگری به قلب نسبت داد می‌شود: ﴿**ذلِکَ وَ مَنْ یُعَظِّمْ شَعائِرَ اللَّهِ فَإِنَّها مِنْ تَقْوَي الْقُلُوبِ**» (حج: ۳۲). تقوای نفس نگهداری نفس از فجور است؛ اما از آثار تقوای قلب تعظیم شعائر خداست. آنچه قلب نگهداری می‌کند جلوگیری از انحراف نیست، بلکه حفظ خداست؛ چون تعظیم شعائر خدا نتیجه تعظیم خداست. اینجا قلب در حوزه معرفتی قرار دارد (نصرتی و رکعی، ۱۳۹۳: ۷).

۳-۱-۳. تغییر معنایی تقوا در مورد خداوند:

تقوا در قرآن به انسان نسبت داد شده است؛ اما فقط در یک مورد به خداوند نسبت داده می‌شود و خداوند را «أهل التقوی» معرفی می‌کند: ﴿**وَ ما يَذْكُرُونَ إِلاَّ أَنْ يَشاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوي وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ**﴾: (مدثر: ۵۶). با توجه به تعاریف تقوا حفظ نفس از آنچه مورد ترس است یا حفظ از گناه در مورد خداوند صدق نمی‌کند؛ به همین دلیل بیشتر تفاسیر و کتب لغت، أهل التقوی را در مورد خداوند این گونه معنا کرده‌اند: «او استحقاق دارد که بندگان از او تقوا کنند و از عقاب او بترسند» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۸۹).

در میان کتب لغت تنها طریحي در بیان معنای اهل التقوی، تقوا را به خداوند نسبت داده است نه اینکه استحقاق تقوای بندگان را دارد. طریحي می‌گوید: «أي أنا أهل أن اتَّقي إن عصيت و أنا أهل أن أغفر": (طریحي، ۱۳۷۵: ۴۴۹). البته طریحی معنای فعل اتّقي را در مورد خداوند بیان نمی‌کند.

فعل «وقی» در امور انسان برای حفظ خود به کار رفته، سپس کاربرد مصدری آن برای یک صفت انسانی، به صورت یک مفهوم شناخته شده درآمده است؛ اما اگر به کاربردهای فعل «وقی» در مورد خداوند دقت شود، این فعل ده مرتبه در قرآن برای خداوند در معنای حفظ بندگان از عذاب و سیئات به کار رفته است (طور: ۱۸/ انسان: ۱۱/ غافر: ۹/ بقرة: ۲۰۱/ آل عمران: ۱۶/ غافر: ۹/ طور: ۲۷/ غافر: ۴۵)؛ مانند ﴿**لا يَذُوقُونَ فيهَا الْمَوْتَ إِلاَّ الْمَوْتَةَ الْأُولى وَ وَقاهُمْ عَذابَ الْجَحيمِ**﴾ (دخان: ۵۶).

بنابراین وقتی خداوند فاعل «وقی» ذکر می‌شود، مصدر این فعل نیز می‌تواند به خداوند نسبت داده شود. این تعبیر در مورد خداوند به معنای حفظ بندگان از اصابت سیئات و عذاب‌هاست. در حقیقت أهل‌التقوی بدین معناست که خداوند اهل آن است که عذاب خود را از بندگان باز دارد و این معنا با همنشینی «أهل المغفرة» که در ادامه آیه آمده نیز تناسب دارد؛ چون کسی که اهل آن است که به هر بهانه‌ای عذاب خود را از بندگان باز دارد، اوست که به هر بهانه بندگان را مورد مغفرت قرار می‌دهد. شاهد این معنا را می‌توان روایتی دانست که در ذیل این آیه نقل شده است: «و قال علیه‌السلام: أنّ الله أقسم بعزّته و جلاله ألّا

یعذّب أهل توحیده بالنّار (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۲۵۲). نیز فرازهایی از دعاهای ائمه علیهم السلام که صفت اهل‌التقوی برای خداوند در سیاق طلب حفظ از عذاب و طلب بخشش آمده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۰۲). مانند این دعا: «اللّهمَّ و أستغفرک لکلِّ ذنبٍ أنت أحَقُّ بمعرفته إذکُنتَ أولی بسترته [بستره] فأنّک أهلُ التقوی و أهلُ المَغفرة» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۳۳).

در واژه تقوا مؤلفه ترس حذف می‌شود و این، همان مبهم بودن مرزهای معنایی برای واژه‌های را اثبات می‌کند؛ چون معنای ترسیدن در مورد خداوند به کار نمی‌رود و حفظ خداوند برای بندگان به دنبال ترسیدن خداوند نیست. شبکه شعاعی واژه تقوا را در این موارد می‌توان به صورت زیر در نظر گرفت:

معنای پیش نمونه تقوا حفظ از آنچه ضرر دارد همراه با خوف.

مقاومت در مقابل طغیان و انجام معاصی (فاعل انسان و محل آن نفس).

نگاهداری در مورد خدا و تعظیم شعائر خدا (فاعل انسان و محل آن قلب).

حفظ بندگان از عذاب و سیئات (فاعل خداست).

۳-۲. توسعه معنای فعل «اتقوا» با تغییر نوع مفعول:

«اتَّقُوا» فعل امر از ریشه «وقی» در باب افتعال است که از نظر قواعد صرف و نحو زبان عربی، باب افتعال می‌تواند معانی جدیدی را از یک ریشه بسازد؛ از جمله مطاوعه و اثرپذیری، اتخاذ و فراهم کردن مبدأ فعل، مشارکت، کوشش و تکلف، طلب، تأکید و مبالغه (جمالی، ۱۳۹۲: ۱۱۷۵). برخی مفسران معنای مطاوعه را برای اتقاء در نظر گرفته‌اند؛ بدین معنا که وقتی فعل «وقی» به با افتعال می‌رود، یکی از مفعول‌های آن حذف می‌شود و چون وقتی به معنای حفظ کردن چیزی از اذیت چیز دیگر است، «اتّقاء» به معنای حفظ شدن از اذیت چیزی می‌باشد یا اینکه خود را از اذیت آن حفظ کردن (مستفید، ۱۳۹۰: ۳۱۰). البته معنای اتخاذ نیز برای باب افتعال ذکر شده است؛ سمین حلبی فعل اتقاء را برای داشتن معنای اتخاذ ذکر می‌کند (السمین الحلبی، ۱۴۰۶: ۹۰).

از معانی دیگر باب افتعال کوشش است که دلالت دارد بر اینکه فعل با کوشش فاعل انجام می‌شود. تبریزی در شرحش بر دیوان حماسه آورده است: «الاتقاء أن تجعل بینک

و بین ما تخافه حاجزاً یحفظک: اتقاء عبارت از این است که میان خود و چیزی که از آن می‌ترسی، چیزی قرار دهی» (تبریزی، ۱۹۹۵م: ۲۵۴) و در اشعار جاهلی، این کلمه با این معنا زیاد به چشم می‌خورد:

إن یتقون بی الأسنه لم اخمعنها و لکني تضایق مقدمي

یعنی هنگامی که دوستانم مرا میان خودشان و سرنیزه‌های دشمنان قرار می‌دهند تا خود را در پشت سر من حفظ کنند، اصلاً شانه تهی نمی‌کنیم، ولی نمی‌توانم خوب پیشروی کنم و جا پای من تنگ می‌شود (ترجانی‌زاده، ۱۳۴۸: ۲۱۶).

پس کلمه اتقاء در معنای مادی خود به معنای حفظ خود به وسیله چیزی در برابر چیز دیگری است. می‌توان طرحواره تصوری این معنا را بدین صورت نشان داد: این معنا را می‌توان در آیاتی از قرآن که اتقاء در آنها معنایی نزدیک به معنای حسی دارد مشاهده کرد. در مورد اینکه انسان خود را از آتش اخروی حفظ کند، می‌گوید: ﴿**فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجارَةُ**﴾ (بقره: ۲۴). گرچه این جمله در مورد معنای اخروی است، استعاره‌ای که استفاده کرده همان مفهوم حفظ خود از خطر آتش را می‌سازد که همان طرحواره تصوری بالا آن را نشان می‌دهد که این، شاهدی است بر آنکه همان معنای حفظ خود از خطر، معنای پیش نمونه اتقائ باشد. راغب نیز در این کلمه وجود معنای ترس را متذکر شده است، به جهتی که حفظ از خطر مقتضای وجود خوف است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۸۸۱).

برای اتقاء می‌توان ویژگی‌های معنایی زیر را در نظر گرفت:

الف) وجود خطر برای انسان؛

ب) ترس از آن خطر؛

ج) حفظ انسان از خطر به وسیله یک نگهدارنده.

فعل اتّقوا به صورت فعل امر با پنج نوع مفعول در قرآن به کار رفته است: «اتقوالنار»، «اتقوا یوماً» به معنای روز قیامت، «اتقوا» با مفعول فتنه و نیز «تتقوا منهم» با مفعول قرار گرفتن مشرکان و در تمامی این موارد، مؤلفه معنایی واحدی دیده می‌شود و آن، حفظ خود از شر آن چیزی است که مفعول این فعل واقع شده است. مفعول پنجم «الله» است که ۴۲

بار در قرآن تکرار شده و چهار مرتبه نیز خداوند با ضمیر متکلم به صورت «فاتقون» مفعول قرار گرفته است.

در تفاسیر معنای ثابت خوف یا احتراز و اجتناب را برای اتقوا در نظر گرفته و این جمله را حمل بر «اتقوا عذاب الله» نموده اند یا «اجتنبوا معاصی الله» یا «اتقوا ماصیه» یا «اخشوا عذابه و احذروا معاصیه» معنا کرده اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۹۳/ حقی برسوی، ۱۳۷۸: ۳۸۸)؛ اما براساس نتایج معناشناسی شناختی، هر تعبیر قرآنی بر پایه مفهوم‌سازی خاصی استوار شده است؛ بنابراین در معناشناسی آن، مفسر باید از برگرداندن هر تعبیری به تعبیر دیگر پرهیز کند و مفهوم‌سازی نهفته در هر تعبیری را آن گونه که هست، بیابد. (قائمی‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۳۰)

نتیجه گیری:

تقوا در قرآن کریم مفهومی چندلایه و شبکه‌ای است که هم جنبه فردی و هم جنبه اجتماعی دارد. این مفهوم با دیگر عناصر بنیادین دین اسلام همچون ایمان و عمل صالح در ارتباط است و به‌عنوان راهنمایی برای دستیابی به سعادت فردی و ارتقای جامعه عمل می‌کند. بنابراین، مطالعه شبکه معنایی تقوا می‌تواند به فهم عمیق‌تر نظام اخلاقی اسلام و کشف ابعاد تازه‌ای از اعجاز بیانی قرآن یاری رساند.با تغییر زاویه دید از یکسان انگاشتن معنا برای یک واژه در سیاق‌های متفاوت به نظریه شعاعیت معنا و کش‌سانی معنا در بافت و سیاق‌های متفاوت می‌توان به حقایقی دست یافت که با تلقی یکسان از معنای واژه، پنهان مانده است. با به کاربردن طرحواره‌های تصوری در قران و تبیین معنای پیش نمونه کلمات می‌توان به نکاتی مهم از معارف قرآن دست یافت. پس این مفهوم در قرآن نه‌تنها به‌عنوان یک صفت اخلاقی بلکه به‌عنوان نظامی معنایی شناخته می‌شود که با دیگر مفاهیم بنیادین مانند ایمان، هدایت، مغفرت، و فلاح در ارتباط تنگاتنگ است. در شبکه معنایی قرآن، تقوا هم پیش‌نیاز است، هم نتیجه، و هم معیار در ارزیابی انسان‌ها. این نشان می‌دهد که تقوا نه فقط یک عمل ذهنی، بلکه یک سبک زندگی معنوی و الهی در قرآن است.

با توجه به خصوصیات متن و بافت و سیاق آیات مختلف و مسئله به کارگیری

هدفمند اسمای خداوند در سیاق‌های متفاوت معنای تقوا هنگامی که خداوند مفعول واقع شود، با دیگر موارد متفاوت است. در اینجا پیش نمونه تقوا نگه‌داری و حفاظت از خطر است؛ اما بسته به سیاق می‌تواند معنای آن تغییرات کوچکی داشته باشد که منجر به فهم حقایق دیگری خواهد شد وهنگامی که تقوا به خود خداوند نسبت داده می‌شود و در آیه خداوند «أهل التقوی» نامیده می‌شود، پس تقوا در قرآن هم معنای درونی دارد (پرهیز، ترس از خدا، مراقبت از نفس) و هم به شکل رفتاری در عمل صالح بروز می‌کند. بدون تقوا، عمل صالح یا تداوم ندارد یا پذیرفته نمی‌شود. بنابراین قرآن همیشه این دو را به‌هم پیوند داده تا نشان دهد بندگی و اطاعت واقعی خدا هم در دل است و هم در عمل.

نتایج و آثار تقوا در قرآن کریم

۱. آرامش و امنیت درونی
۲. رستگاری و موفقیت آخرتی.
۳. رزق و روزی گسترده.
۴. حمایت و نصرت الهی.
۵. برکت و پاکی زندگ.
۶. محبوبیت اجتماعی و کرامت انسانی.
۷. پرهیز از عذاب و گرفتاری.
۸. آثار اجتماعی مثبت: عدالت، کمک به فقرا و تعاون.

منابع:

قرآن کریم
ابن عاشور، محمدبن طاهر، (۱۴۲۰ق)، **التحریر و التنویر**، [بی‌نا]، [بی‌تا]
ابن فارس (۱۴۰۴ق)، **مقاییس اللغة**، تحقیق:عبدالسلام محمد هارون، بی جا، مکتبة الأعلام الاسلامیة.
ابن‌منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، **لسان العرب**؛ بیروت: دار صادر.
أزهری، محمدبن احمد، (۱۴۲۱ق)، **تهذیب اللغة**، بیروت: دارا احیاء التراث العربي.
ایزوتسو، توشیهیکو، (۱۳۶۱)، **خدا و انسان در قرآن**؛ ترجمه احمد آرام؛ تهران: شرکت سهامی انتشار.
آلوسی، سیدمحمود، (۱۴۱۵ق)، **روح المعانی في تفسیر القرآن العظیم**؛ بیروت: دارکتب العلمیة.

ترجانی‌زاده، (۱۳۴۸)، **معلقات سبع، تبریز**: دانشکده ادبیات تبریز.
جمالی، مصطفی، (۱۳۹۲)، **مغني الفقيه صرف كاربردی**؛ چ سوم، قم: دارالفکر.
الراغب الاصفهاني، (۱۴۱۲ ق)، **المفردات في غريب القرآن**، بیروت: دارالعلم الشامية.
شمیم یاس، (۱۳۸۳)، «**درآمدی بر تقوا در قرآن و نهج‌البلاغه**»، سایت حوزه، تاریخ بازیابی: ۹/۴/۲۰۱۵،
شیخی، حمیدرضا، (۱۳۸۸)، **آشنایی با نهج البلاغه**، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ هفتم.
طباطبایی، محمدحسین؛ (۱۴۱۷ق)، **المیزان فی تفسیرالقرآن**، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، **مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: انتشارات ناصرخسرو.
عسکری، أبوهلال بن الحسن (۱۴۱۹ق)؛ **الصناعتین**: الکتابة والشعر، بیروت، مکتبة العنصرية.
فراهیدی، خلیل بن احمد فراهیدی، (۱۴۰۹ق)، **العین**، قم: نشر هجرت.
فیروزآبادی، محمدبن یعقوب، (۱۴۱۵ق)، **قاموس المحیط**، بیروت: دارالکتب العلمية.
فیض کاشانی، ملامحسن، (۱۴۱۵ق)، **تفسیر الصافي**، تهران: انتشارات صدر.
قائمی‌نیا، علیرضا، (۱۳۹۰)، **معناشناسی شناختی قرآن**؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
قرشی، سید علی‌اکبر، (۱۳۷۱)، **قاموس قرآن**، تهران، دارالمکتبة الاسلامية، چاپ ششم.
مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳ق)، **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار**، چ دوم، بیروت: دار أحياء التراث العربي.
مستفید، حمیدرضا، (۱۳۹۰)، **جزء ۲۶ تا ۳۰ با ترجمه و توضیحات ادبی و لغوی**، تهران: مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران.
نصرتی، شعبان و محمد رکعی، (۱۳۹۳)، «**نمابرداری شناختی در مفهوم‌سازی قرآنی**»؛ ذهن، ش ۵۴.